



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۱/۲۴

دوکتور محمد اکبر یوسفی

اطفال نور چشم انسان!

بیستم نوامبر ۱۹۸۹م، از جانب سازمان ملل متحد، به عنوان روز جهانی حمایت از طفل، ضرورت ها و حقوق آن تعیین شده است. در تحت این علامت و "سمبول" که در سمت چپ سطر های ذیل، بشکل گرافیک نشان داده شده است، اضافه از ۱۴۵



کشور دنیا، همه ساله روز «بین المللی اطفال» را، تجلیل می کنند. در «ترن» (خطو آهن) های بین شهر ها در آلمان، بدین مناسبت، بطور نمونه، چوکی های چهار نفری با میز در وسط "واگن ها"، با همچو نقاشی تهیه شده است. بدین ترتیب حق طفل را درین واسطه نقلیه نیز تحقق بخشیده اند. طفل به مرکز توجه جامعه قرار دارد. درین کشور در باره "ضرورت" و حقوق اطفال توجه جدی بعمل می آید. بررسی این موضوع مهم، واقعاً نویسنده را در حالت دشوار قرار داده است. در انتخاب مطالب، با تردد مواجه شده است، نمی داند از کجا آغاز کند. در عصر و زمان "تخنیک اطلاعاتی" الکترونیکی، سیلاب مرگبار اطلاعاتی نیز وجود دارد. اطلاعات زیاد و صحنه های وحشتناک انسان را

می تواند، نسبت به داشتن توقع از هموعان، نا امید سازد. این سؤال مطرح شده می تواند، که از "کجا"، باید آغاز کرد؟ چه مطلب را خواننده، با علاقمندی می خواند؟ این نویسنده "تجلیل" از کدام مراسم را خوش ندارد. بهتر می بود انسان "آزاد" می بود و امکان و توان آنرا هم در بدن سالم، می داشت، تا هر لحظه و هر روز فقط یک قدم کوچک هم اگر ممکن باشد، به نفع انسان بردارد، نه اینکه در انتظار کارها و یا "موفقیت های بزرگ" باشد.

"البرت انشتاین" یک فزیکدان، مخترع "تیئوری نسبیت" و نابغه معروف ضد جنگ در اخیر قرن نوزده و نیمه اول قرن بیست، و یک "پسیفیست" فعال که از آسیب رسیدن به اطفال دائماً متأثر شده، اعتراض می نموده است، زمانی چنین ابراز نظر نموده است: "هیچ اختراع و ترقی بزرگ نمی تواند، تا آزمان وجود داشته باشد، که اگر تا آن لحظه، یک طفل هم نا خوشنود وجود داشته باشد."

جای شک نیست که هر یک ما، پرورش و تربیت اطفال را مهم می دانیم. درین رابطه، "کریستیان مارگن شتاین" شاعر و



(« این مادر را ببینید، که در چه شرایط دشوار زندگی، طفلش را در آغوش گرم پر محبت حمل می کند. تصویر بهتر سخن می گوید.»)

نویسنده معروف آلمانی گفته است: "بهترین تربیت برای طفل اینست، که برای او مادر خوب داد."

در کشور "جنگ زده" ما نه تنها "جنگ" کور و بی رحم، زندگی اطفال و مادران را از آنها می گیرد، قبل از آنکه شانس "پرورش" برای "طفل" برسد، و یا "مادر" را بگذارد که طفل معصوم و دوست داشتنی را در آغوش پر محبت خود بگیرد، و مطابق شرایط زندگی و بر حسب کلتور و عنعنات خود تربیت کند، نمونه های سیاست "افراطی مذهبی" و "غیر انسانی" هم، همه راه های ممکن حیات را بر آنها مسدود می سازد. اینها اند که بر کودکان، اطفال، زنان و پیرمردان هم رحم ندارند و مظالم جنگ و بی احساسی زورمندان در برابر ضعیفان، این چنین سرنوشتی را در برابر اطفال این کشور نیز تحمیل نموده از آنها،



حق زنده ماندن را می گیرد. درینجا، با مشیت نمونه خروار اکتفاء می کنیم و از تفصیل موضوعات تأریخ کشور ما، که پیوند ناگسستنی با بحران کنونی و سایر مصیبت ها، که مردم ما، با آن دست و پا می زنند، می گذریم؛ که "بنیادگران افراطی اسلامی" چون پیروان "آخوند درویشه" با "جنبش روشانی" در تحت تسلط و نفوذ "امپراتوری مغل" چه کردند، یا استعمار انگلیس در استفاده از "شاگردان دیوبندی و مدرسین" آن، در همراهی با سایر "افراطیون" و "متصوفین" چون "جیلانی ها"،

"مجددی ها" و غیره، در جلوگیری از "آموزش و پرورش" و تطبیق "رفرم های لازم"، پس از استرداد استقلال چه کردند و یا در نهایت "افراطیون" بی شمار دیگر، "اخوان"، "الجهاد"، "وهابیون"، "فاطمیون" و غیره در مقابله با "افراطیون چپ"، تحت حمایت «شوروی» چه کرده اند.

فیلسوف معروف (متوفی)، "کارل پوپر" به این نتیجه رسیده بود که: «تلاش های ایجاد جنت بر زمین، دائماً دوزخ بیار آورده است. این تلاش ها عدم تحمل، جنگ های دینی و نجات روح از طریق تفتیش عقاید را با خود داشته است.»

این گروپ جنگی که تصاویر آنان را می بینید، در نیمه ماه مارچ ۱۹۷۹م در تحت نام "دفاع از دین اسلام" که مسبب و سهیم



(«فرار اظهار» امیر اسمعیل خان» فعلی و «تورن اسماعیل» آنوقت، پس از «شورش» ۱۵ مارچ ۱۹۷۹م در هرات ، با سلاح های توزیع شده از جانب آنها، از «سلاح کوت فرقه هرات»، پس از اینکه بر طبق گزارش «آرتی» «سی هزار انسان» به قتل می رسد، با سلاح های دست داشته، که می بینید، به «کوه ها» عقب نشینی می کنند، و از «انجا» به «مقاومت» ادامه می دهند. این راز را هم افشاء نمی سازد، که «سلاح و مهمات» و دیگر «اکمالات» بعدی را از کجا و از چه طریق دریافت می داشته اند؟

در کشتار "۳۰۰۰۰" انسان در ولایت هرات بود، خود آنان را "فاتح" می شمارند. آنها در نتیجه این "جنگ"، به مردم ما "دوزخ" و برای خود آنان "ثروت و جنت" کمائی کرده اند.

"پوپر" برین عقیده بوده است، که "انسان حق دارد، برای یک هدف زندگی خودش را به خطر مواجه سازد، اما حق ندارد، زندگی کس دیگری را به خطر روبرو سازد." این افراد که حال از طریق "کسب قدرت" خود آنها را، صاحب "امتياز" می دانند،



همه مرتکب قتل مستقیم و هم شریک جرم، در قتل انسان های وطن ما شناخته شده اند.

در زیر سایه سیاست های "شوم" و "زور گویانه همه اینها، چگونه می توان امید داشت، که "طفل" وطن ما، دوره "طفلی" معصومانه خود را بگذراند و مادری هم، فرصت آنرا داشته باشد، تا طفلش را خوشنود و خندان تربیت نموده، و از او مواظبت نماید.

در شرایط و روند انجام کار، "آزادی" یک اصل اساسی، مقدماتی و تعیین کننده برای دست آورد مطلوب مفهوم است. "کارل رایموند پوپر"، که با آثار "علمی" و تحقیقاتی خود، در سالهای "جنگ اول و دوم جهانی" زندگی می نموده است و تمام عمر خودش را در "مهاجرت" بسر برده است، با طبع کتاب "جامعه باز و دشمنان آن" در دو جلد، در ضدیت و افشای جوانب

مختلف "آیدیالوژی های" طرفدار رژیم های "دیکتاتوری" و "توتالیتیر" (همه شمول)، هم چنان در طرد و دفع "دیکتاتوری های متنوع"، راه روشنی را نشان داده است، در رابطه با "آزادی" چنین توصیه می کند:

«ما باید، پلان آزادی را طرح کنیم، نه برای امنیت، اگر احتمالاً بنابر بدلیل دیگر ازین، که آزادی، امنیت را تأمین می کند.»
بناءً آزادی انسان مقدم بر همه جوانب زندگی شمرده می شود.



1997 bekam sie Siebenlinge - sehen Sie, wie sie 21 Jahre später aussehen!

«۱۹۷۷م هفتگانه آورد- ببینید که ۲۱ سال بعد چگونه دیده می شوند!»



در جوامع "مُدرن" امروز که در آنها، کلتور سیاسی در خدمت انسان است، در همچو لحظات تعجب آور، که موجود انسان، با چنان یک حالت پر تکلیف و پُردرد و خطرناک، لحظه دیگر یعنی خوشی و معرفت در جهان بشریت، نصیب او می گردد، سیستم سیاسی آن جامعه با جامعه کلتوری، قادر است، تا از چنین "نوزادان" چه در "بطن" مادر بوده اند و یا در وقتی که متولد شده اند،

مواظبت نماید. از جانب دیگر داوطلبان بی شمار از آن جامعه، حاضر می گردند، تا در مواظبت آنها با "مادر" و خانواده آنها، یاری رسانند.

کلتور و طرز دید ها، یا امیال نا معلوم و نا پسند شاهان و زورمندان کشور ما، ممکن است که در تمایلات "راسیستی" کنونی که اینک با گذشت بیش از چهل سال، بطور بی سابقه دامن زده می شود، سبب تمسخر پیروان کلتور های دیگر در جهان نیز شده می تواند.



(«امیر حبیب الله خان (سراج) با تعدادی از زن هایش»)



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمایی شوند!

اطفال نور چشم انسان!

[Yusufi_akbar_۶۴_atfal_noor_tschashm_inssan.pdf](#)